

بدون شک می توان
شهرستان
بندرلنگه در
استان
هرمزگان را
یکی از
مناره‌ها و
مراکز ترویج
علم و دانش
در قرون ایران
اخیر دانست؛

فرا گرفت. پس از اتمام تحصیلات به قطر بازگشت و در وزارت آموزش و پرورش مسئولیت و اداره امور عشایر و روستایی آموزش و پرورش را بر عهده گرفت. دکتر یوسف قرضاوی در کتابش فی وداع الاعلام می نویسد: «شیخ عبدالله انصاری مدت زمان مدیری مسئولیت وزارت تربیت و تعلیم در امور عشایر و روستاهای قطر را بر عهده داشت. این اداره مشکلات و طبیعت خاص خود را داشت. هنگامی که برای ملاقات و زیارت شیخ روانه دفتر کارش می شدم او را در حالی می یافتم که انسانهای درمانده و نیازمند فراوانی از روستاهای مختلف وی را احاطه کرده بودند و صبر و حوصله شیخ در برابر این اشخاص و اینکه مدت زمان زیادی به شکایات آنان گوش فرا می داد و با چهره‌ای بشاش و گشاده بین آنها صلح و آشتی برقرار می کرد مرا به تعجب و شگفتی وامی داشت و این فضیلتی بود که خداوند به شیخ عنایت کرده بود».

پس از آن شیخ عبدالله اداره امور دینی در وزارت آموزش و پرورش قطر را تأسیس کرد و خود مسئولیت آن را بر عهده گرفت. سپس مرکز احیاء التراث الاسلامی را تأسیس نمود و خود متولی اداره آن شد و از مهمترین امکانات روز برای تحقیق و تحصیل و تدریس استفاده نمود؛ تا جایی که دولت قطر از آن به عنوان مؤسسه علمی بزرگی تقدیر نمود. همچنین ایشان رصدخانه‌ای را تأسیس کرد که مبنای تدوین و تنظیم تاریخ هجری قمری در جهان اسلام گشت.

شیخ عبدالله انصاری زمانی که مرکز احیاء التراث الاسلامی را افتتاح کرد توانست کتابهای فراوانی را با کمک های دولت و هزینه خود چاپ کند. اکثر این کتب با مقدمه های شیخ چاپ می شد و پس از چاپ به صورت رایگان به نقاط مختلف از دانشگاه الازهر و کتابخانه های مصر گرفته تا کتابخانه های عربستان و شبه قاره هند و سایر نقاط جهان پخش و ارسال می شد. بسیاری از آن کتب برای اولین بار در جهان اسلام چاپ می شدند که علوم مختلفی چون حدیث، فقه، عقیده سلوک، تاریخ، ادبیات و علم لغت را در بر می گرفتند.

تلاشهای شیخ عبدالله انصاری در جهت برگزاری

سومین کنفرانس بین المللی سیرت و سنت نبوی در قطر یکی از مهمترین فعالیتهای شیخ عبدالله انصاری

که قابل ذکر است برگزاری سومین کنفرانس بین المللی سیرت و سنت نبوی در پنجم محرم سال ۱۴۰۰ ه. ق با حضور شخصیتهای برجسته‌ای چون استاد مصطفی زرقاء، شیخ محمد غزالی، استاد محمود شیخ خطاب، علامه ابوالحسن ندوی، دکتر یوسف قرضاوی، استاد فتحی یکن، شیخ محمد مجذوب، دکتر نجیب گیلانی، دکتر محمد سعید رمضان بوطنی، دکتر سعید حوی، دکتر محمد عبده یمانی، دکتر اکرم ضیاء العمری، استاد انور جندی و بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام در دوحه قطر می باشد. دکتر یوسف قرضاوی می گوید: «هنگامی که دولت قطر تصمیم گرفت به مناسبت آغاز قرن ۱۵ هجری کنفرانس بین المللی سیرت نبوی را در دوحه قطر برگزار نماید، ریاست کمیته برگزاری این کنفرانس به شیخ عبدالله انصاری واگذار گردید. در آن هنگام ما به شیخ پیشنهاد دادیم که در ذکر اسم کنفرانس سنت را در کنار سیرت قرار دهد یعنی کنفرانس بین المللی سیرت و سنت نبوی، شیخ نیز با طیب خاطر و گشاده رویی پیشنهاد ما را پذیرفت. همچنین سایر پیشنهادهای ما را در مورد انتخاب اشخاص برای تدارک دیدن موضوع را با جان و دل پذیرا بود که در این امر شخصیت های برجسته دیگری همچون شیخ ابوالحسن ندوی، دکتر عبدالعزیز کامل و دکتر عزالدین ابراهیم نیز با شیخ عبدالله انصاری همکاری می نمودند.

شیخ در راستای برگزاری این کنفرانس تلاشهای شایسته و بی دریغی نمود که قابل قدر دانی است و در پایان این کنفرانس مایه عز و افتخار جهانیان گشت و به اجماع علما و اندیشمندانی که از نقاط مختلف جهان اسلام در این کنفرانس شرکت کرده بودند شیخ عبدالله انصاری به عنوان رئیس کنفرانس برگزیده شد. در این کنفرانس بحث های بسیار با ارزشی مطرح گردید که تمامی این مباحث در هفت جلد تحت سرپرستی و نظارت خود شیخ چاپ شد.»

لازم به ذکر است که شیخ محمد غزالی کتاب «فن الذکر والدعاء عند خاتم الانبیاء» را به پیشنهاد شیخ عبدالله انصاری جهت ارائه در این کنفرانس نوشت. شیخ عبدالله در مراسم افتتاحیه این کنفرانس سخنانی ایراد کرد که ما در اینجا مختصری از سخنان ایشان را ذکر خواهیم کرد:

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی نبیہ الصادق الامین و علی آله و صحبه اجمعین ومن سار علی نهجه الی

یوم الدین. السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
ولی عهد کشور قطر، بزرگواران ارجمند، وزراء
و اعضای مجلس شورا، سفراء و میهمانان بزرگوار و
دانشمندان فرزانه!

بهترین و زیباترین دروهای دین را نثار تان می کنم
دینی که خداوند به وسیله آن امت ما را پس از
پراکندگی و از هم گسستگی گرد هم جمع نمود و
بعد از تفرق و جدایی در میان آنها وحدت ایجاد کرد
و اراده هایی پولادین به آنها بخشید و پاک طینتی را به
آنها عنایت کرد و اخلاق آنان را آراسته نمود تا جایی
که از آنها بهترین امت برای هدایت بشریت ساخت
که دلهايشان با هم الفت گرفته و ارواحشان به یکدیگر
مأنوس گشته بود خداوند می فرماید: «لو أنفقت ما فی
الأرض جميعاً ما ألقت بین قلوبهم ولكن الله ألف بينهم»؛
اگر همه آنچه در زمین است را صرف می کردی
نمی توانستی میان دلهايشان انس و الفت برقرار
نمایی ولی خداوند میانشان انس و الفت ایجاد کرد.
هر ملت و امتی برای اینکه قهرمانان، مصلحان و
دانشمندان شان را به یاد داشته باشد همواره سعی
می کند کنفرانسها، جشنواره ها و گردهمایی هایی را
به یاد آنان بر پا نماید و با ارائه مقالات و مباحثی
پیرامون آن شخصیت ها در مورد آنان سخن بگویند
تا نسلهای بعد به آنان تأسی جویند.

امروز ما در اینجا گرد هم جمع شده ایم تا پیرامون
سیرت و زندگانی معلم و هدایتگر بشریت علیه
الصلاة والسلام بحث کنیم و وظیفه چه کسی غیر از
ماست که به تدریس و تبیین سیرت نبوی در هر زمان
و مکانی بپردازد؟ خصوصاً در این برهه تاریک تاریخ
و روزگار سیاهی که جهان اسلام با بحراناها و
سختی های فراوانی آنرا سپری می کند. در این عصر
چه کسانی باید از زندگانی پیامبر الهام بگیرند و به
وسیله آن اسالیب عملی و برنامه های زندگی را فرا
روی نسل جوان به تصویر بکشاند تا اینکه در این
گیرودارها و چالشهای عصر حاضر که در آن غوطه ور
هستند سلاح آنها باشد و به وسیله آن از حملات
گسترده ای که دشمنان اسلام به وسیله آنها مبادی
دینی و اخلاقی و ارزشهای انسانی آنها و بلکه وجود
جسمانی آنها را نشانه گرفته است در امان بمانند. به
خدا قسم اگر انسان از روی نیاز کاری را انجام
می دهد ما نیازمندترین انسانها در این زمینه هستیم.
برادران گرامی امروز پیرامون هم گرد آمده ایم تا
در مورد سیرت و سنت ارزشمند نبوی بحث کنیم که

خود هدف بسیار بزرگ و مبارکی است. سنت نبوی
تنها کلمات و جملاتی چند نیست که رد و بدل
می شود و یا کتابهایی که در کتابخانه ها انباشته
می شوند، بلکه برنامه کامل زندگی انسان است که
صاحب آن از روی هوای نفس لب به سخن
نمی گشاید و آنچه می گوید چیزی نیست جز وحی
و پیامی که به وی وحی می شود. «وما یطق عن الهوی
ان هو الا وحی یوحی». برنامه ای است آسمانی که پیامبر
آسمانی از خدای آسمان آورده است تا زندگی
انسانیکه خداوند او را جانشین خود در زمین معرفی
کرده است را نظم و انضباط بخشد. ارزش پرداختن
به این مسئله در این است که «سنت» دومین مصدر
تشریح در دین و تفسیر قرآن می باشد که آیات و احکام
واضح و روشن می کند.

با کمال تأسف امروزه سیرت و سنت نبوی مورد
تعرض بسیاری از انسانها گشته که خود را به اسلام
نسبت می دهند و در پی بد جلوه دادن زندگانی
آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر می آیند، البته به این
اندازه نیز اکتفا نمی کنند بلکه جهالت و نادانی این
انسانها به حدی رسیده که اصل نبوت را انکار
می کنند.

سرورم! ای رسول خدا! امیدواریم در مقابل این
همه بدیهایی که در حق تو می شود در روز قیامت از
ما در گذری. ای محبوبترین مخلوقات خداوند تو به
ما آموختی که برای هدایت چنین انسانهایی دعا کنیم
و ما نیز به این فرموده تو استناد می کنیم که «اللهم اهد
قومی فانهم لا یعلمون»؛ بارالها قوم مرا هدایت کن زیرا
آنان نمی دانند.

به همین علت ای علماء و دانشمندان بزرگوار
شما امید و آرزوی این امت می باشید که جامعه
اسلامی بر این امر گواه است و قلوب این امت با شما
پیوند یافته و چشم امیدشان به شماست لهذا بر شما
واجب است که در مقابل دسیسه دشمنان اسلام از
سیرت پیامبرتان دفاع کنید تا بنیان اساسی ای که در
درون نسل جوان شکل می گیرد منهدم نشود. ای
بزرگوارانی که دوری راه و مشقات سفر را به جان
خریده و از شهرها و کشورها و سرزمینهایتان هجرت
نمودید و به دیار ما گام نهادید تا حقیقت ایمان را
چشیده و از اسلام عزیز دفاع کنید و قلوب خویش را
با محبت خدا و رسولش و مباحثه پیرامون زندگانی
وی آباد نمایید، شما در گذشته بسیاری از اوقات
خود را در مباحثه در این موضوع مصروف داشته اید

✓ یکی از
مهمترین
فعالتهای
شیخ عبدالله
انصاری
برگزاری
سومین
کنفرانس
بین المللی
سیرت و سنت
نبوی در پنجم
محرم سال
۱۴۰۰ ه. ق. با
حضور
شخصیتهای
برجسته
جهان اسلام
در دوحه قطر
بود.

مرکز احیاء التراث الاسلامی و یاد رخانه اش در حالی مشاهده می کردی که جمع زیادی از نقاط مختلف جهان اسلام گرد وی جمع شده بودند و از او برای حل مشکلاتشان یاری می جستند. هنگامی که مجلس شیخ را مشاهده می کردی این بیت شاعر در ذهن متصور می شد که:

یزدحم القصدافی داره
و المنهل العذب کثیر الزحام

(زیارت کنندگان در خانه وی ازدحام می کنند و حقیقت این است که آبشخوری که دارای آب گوار است اطراف آن شلوغ می شود).

جایگاه شیخ نزد پادشاه قطر

فعالیت های گسترده شیخ انصاری سبب شد تا وی محبوبیت خاصی در نزد شیخ خلیفه بن حمد آل ثانی پادشاه قطر داشته باشد و این محبت به اندازه ای بود که شیخ خلیفه آل ثانی دستور داد تنها اثر پدر شیخ عبدالله انصاری یعنی شیخ ابراهیم که «ارشاد الحیران فی معرفة آی القرآن» نام داشت را با هزینه خود پادشاه و تیراژ بسیار بالا چاپ نموده و در کشورهای اسلامی توزیع نمایند، و چه بسا گاهی اوقات خود پادشاه قطر به خانه ساده و بی آرایش شیخ می آمد تا با وی دیدار نماید و همچنین در مسائل حکومتی با وی مشورت نماید. شیخ با نصایح و دلسوزی های خود پادشاه را راهنمایی می کرد و پند و اندرز می داد و مشکلات مردم قطر و جهان اسلام را به گوش وی می رساند و در بر طرف کردن آنها از پادشاه یاری می جست.

در مسیر دعوت و جهاد

شیخ عبدالله انصاری تمامی وقت، مال و تلاشش را برای گسترش اعمال خیریه در جهان وقف کرده بود و بر هر نوع کمک و مساعدتی برای برادران مسلمانش در جهان اسلام حریص بود تا بتواند ظلم و فقر و تنگدستی را از آنها بزدايد. وی نمونه بارز دعوتگری بود که تا آخر عمر مبارکش در راه حق و صلاح و نشر دعوت اسلامی و پناه دادن به بی پناهان و سرپرستی ایتمام و نیازمندان و تعلیم و تربیت آنان بی وقفه تلاش می کرد. علامه عبدالله انصاری در آخر عمر مبارک علی رغم کهولت سن و ضعفی که داشتند از حضور در کنفرانس ها و همایش هایی که برای نشر دعوت اسلامی و اعمال خیریه در داخل

لهذا تنها چیزی که می توانم به شما بگویم این است که خداوند به پاس دفاع از دین و رسولش به شما جزای خیر دهد. به میان اهل و خانواده و برادران خودتان خوش آمدید. شما اهل این سرزمین هستید قبل از کسانی که در اینجا زندگی می کنند.

وَأینما ذکر الله فی بلد
أعددت أرحائه من لبّ أوطانی

(در هر سرزمینی که در آن یادی از خدا شود من جای جای آن سرزمین را وطن خود می پندارم).
میهمانان ارجمند! از خداوند سبحان خواستارم که گامهای شما را در راههای خیر استوار گرداند و به امت عزیز اسلامیمان توفیق عنایت فرماید، و اهل طاعت را عزت عطاء نموده و اهل معصیت را خوار و ذلیل گرداند. همچنین از ایزد منان خواستارم که امروز ما را بهتر از دیروز و فردای ما را بهتر از امروز گرداند و او بزرگوارتر و بزرگتر از آن است که ما بندگان حقیر چیزی از او بطلبیم و او خیر دهنده ترین و بهترین خیر دهنندگان است.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

سایر فعالیت های شیخ عبدالله انصاری

شیخ عبدالله انصاری به اتفاق شخصیت های برجسته ای چون علامه سید ابوالحسن ندوی، دکتر طه جابر العلوانی، دکتر یوسف قرضاوی و تنی چند از بزرگان جهان اسلام سازمان رابطه العالم الاسلامی را تأسیس نمودند. همچنین ایشان عضو هیئت مؤسسين شورای عالی مساجد حجاز بودند. از دیگر مسئولیت های وی می توان به عضویت در هیئت مؤسسين انجمن جهانی خیریه اسلامی و عضویت در کادر اداری آن اشاره کرد که دکتر یوسف قرضاوی در این مورد می گوید: «هنگامی که کنفرانس کلرادو در سال ۱۹۸۷ میلادی برنامه هایی از جهت مسیحی نمایی مسلمانان اعلام کرد من پیشنهاد تأسیس انجمن جهانی خیریه اسلامی در کویت را مطرح کردم که شیخ عبدالله انصاری از اولین کسانی بود که با پیشنهاد من موافقت کرد و ما را در این راستا تشویق نمود و خود نیز برای ترویج آن از جان مایه گذاشت و بیهوده نیست که وی را از بنیانگذاران این موسسه یاد می کنند و همچنین شیخ عبدالله رابطه تنگاتنگی با تشکله ها و مؤسسات و دانشگاه های اسلامی در هند و پاکستان و فیلیپین و نقاط دیگر آسیا و آفریقا داشت و جای تعجبی نبود اگر وی را در دفترش در

☑ در هر سرزمینی که در آن یادی از خدا شود من جای جای آن سرزمین را وطن خود می پندارم.

خارج جهان اسلام برگزار می شد ابا نمی ورزید و در جهت نشر دعوت به سرتاسر نقاط جهان سفر می کردند.

دکتر یوسف قرضاوی در کتاب فی وداع الاعلام می گوید: «شیخ را به خوبی می شناختم و شناخت من نسبت به وی زمانی عمیق تر شد که سفرهای متعددی را به همراه ایشان به نقاط مختلف جهان نمودم. (می گویند وجه تسمیه سفر این بوده که چهره واقعی انسان را نمایان می سازد.) من و شیخ عبدالله انصاری سفرهای بسیاری را به اتفاق یکدیگر به نقاط مختلف جهان نمودیم که می توان از آنها به دیدار از مالزی، اندونزی، سنگاپور، هنگ کنگ، فیلیپین، کره، ژاپن، ریاض، پاکستان، هند، مصر، کویت، بحرین و مکه در سفر حج اشاره کرد. هرگاه عازم کشوری می شدیم شیخ عبدالله مبالغ بسیار هنگفتی را که مقداری از آن از اموال دولت و قسمتی دیگر از اموال اهل خیر و بخشی نیز از اموال شخصی خودش بود با خود به همراه می آورد و به فقرا و نیازمندان و مدارس دینی و مؤسسات اسلامی آن مناطق کمک می کرد تا بهتر بتوانند رسالتی را که بر دوش دارند اجرا نمایند. شیخ عبدالله چشمه ای جوشان و معدنی گرانبها بود که هیچ گاه از همراهی وی احساس خستگی نمی کردم گرچه مسافت مسافرت ها بسیار طولانی می بود».

وی موضعگیری های شجاعانه ای در نصرت اسلام و مسلمین و دفاع از آن هموار نمودن مسیر جهاد در سراسر جهان داشتند و زمانی که روسیه به افغانستان حمله کرد در کنار برادران مسلمانانش در افغانستان ایستاد و به وسیله مساعدتها و تلاشهای بی اندازه اش آنها را یاری نمود، همچنانکه در کنار انتفاضه فلسطین ایستاد و نهایت تلاشش را در کمک به فلسطینیان به کار بست و آرزوی دیرینه و تمام هم و غم وی آزادی قدس شریف از چنگال یهودیان غاصب بود.

شیخ عبدالله انصاری مسلمین را مورد خطاب قرار می داد که در امر دعوت الی الله کوتاهی می کنند و امر دعوت را مختص گروهی خاص گردانده اند. به عقیده وی این دیدگاه باید تصحیح شود. زیرا بر همه مسلمین بایسته های مختلف واجب است داعیان الی الله باشند. او داعیان را به ضرورت عمل به اسالیب و رسایل دعوی خاص همراه با مدرنترین وسایل روز دعوت می کرد تا نیازهای جوامع اسلامی

را برطرف نموده و شور و شوق را در مسلمین زنده نمایند و سبب ایجاد تنفر و بیزاری در مدعومین نشوند. وی رساله ای بسیار ارزشمند و گرانبها تحت عنوان «رسالة الاعلام فی بلاد الاسلام و علاقتها بالدعوة الاسلامیة» نوشت تا مسلمین را متوجه این امر نماید که از وسایل پیشرفته روز در جهت دعوت استفاده نمایند که این رساله در کنفرانس بین المللی «توجیه الدعوة و اعداد الدعوة» که در مدینه منوره برگزار شد به عنوان یکی از رساله های برگزیده انتخاب شد.

خصوصیات اخلاقی شیخ عبدالله انصاری

از خصوصیات بارز شیخ عبدالله انصاری احترام به علماء و تشویق آنان برای خدمت به علم و دین بود. دکتر یوسف قرضاوی می گوید: «زمانی که من از مصر به قطر هجرت کردم، شیخ عبدالله انصاری به ملاقات من آمد و این جملات را فرمود: امیدوارم این کشور را کشور دوم خود ببنداری و ما را نیز برادران و خانواده خود محسوب کنی و به هر چیز که نیاز داشتی در تهیه آن تردید نکنی، زیرا سینه های ما بر تو گشوده شده و امیدوارم خانه محقر و کوچک ما را با حضور گرمتان مشرف فرمایید. من برای اینکه از اوضاع و احوال قطر اطلاع بیشتری بیابم و عده ملاقات با وی را گذاشتم و پس از ملاقات دریافتیم شخصی که من او را دیدم از اهل خیر و علم و دانش و دعوتگری مبارز است که به وسیله دین تجارت نمی کند بلکه دعوتگری حقیقی است و گمان من در مورد وی صحیح بود و خدای را از این بابت شاکرم. زمانی که مسئولیت اداره امور دینی وزارت آموزش و پرورش قطر که یکی از چهار اداره ای بود که در دوران وزارت دکتر کمال ناجی زیر نظر وزارت آموزش و پرورش بود به شیخ عبدالله واگذار شد مسئولیت اداره دبیرستان دینی به من سپرده شد و قرار شد گاهی اوقات شیخ عبدالعزیز عبدالستار نیز در این امر مرا یاری نماید که هم من و هم شیخ عبدالعزیز در پذیرش این منصب متردد بودیم اما پس از پذیرفتن این منصب به سبب اخلاق بزرگوارانه شیخ عبدالله انصاری و گشودگی سینه اش و محبت فراوانی که بین ما حاکم بود هیچگاه احساس ناراحتی نمی کردیم.»

شیخ عبدالله انسانی بسیار متواضع و فروتن بود که با وجود داشتن عالی ترین منصب دینی در قطر از رسیدگی به مشکلات شخصی مردم و سرزدن به آنها دریغ نمی کرد. تواضع ایشان به اندازه ای بود که با

✓ دکتر یوسف

قرضاوی

می گوید:

«هنگامی که

کنفرانس کلرادو

در سال ۱۹۸۷

میلادی

برنامه هایی از

جهت مسیحی

نمایی مسلمانان

اعلام کرد من

پیشنهاد تأسیس

انجمن جهانی

خیریه اسلامی

در کویت را

مطرح کردم که

شیخ عبدالله

انصاری از اولین

کسانی بود که با

پیشنهاد من

موافقت کرد و ما

را در این راستا

تشویق نمود و

خود نیز برای

ترویج آن از جان

مایه گذاشت.

☑ شیخ

عبدالله انصاری

مسلمین را

مورد خطاب

قرار می داد که

در امر دعوت

الی الله کوتاهی

می کنند و امر

دعوت را

مختص گروهی

خاص

گردانده اند. به

عقیده وی این

دیدگاه باید

تصحیح شود.

زیرا بر همه

مسلمین با

پیشه های

مختلف واجب

است داعیان

الی الله باشند.

وجود جایگاه علمی اش دوست نداشت کسی وی را عالم و دانشمند بنامد، بلکه تنها لقبی که او برای خود برگزید که در تمامی کتابهایی که نوشته و یا تحقیق نموده و یا چاپ کرده مشهود است «خادم العلم» می باشد. زیرا وی بر اساس آیه «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین أتوا العلم درجات»؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و بهره ای از علم دارند درجات بزرگی می بخشد. معتقد بود که اگر انسان در مسیر علم و دانش گام برداشت خداوند به سبب علمش وی را عزت می دهد و درجاتی عالی به او عنایت می کند. پس زمانی که انسان به چنین مرتبه ای رسید باید در مقابل علم گردن خم کند و خدمتکاری برای علم و دانش باشد.

دکتر یوسف قرضاوی در کتاب «فی وداع الأعلام» در مورد خصوصیات شیخ می گوید: «شیخ عبدالله انصاری مشعل فروزانی از دعوت و حرکت و غیرت دینی بود که هر کس او را می شناخت به وی دل می بست و او را دوست می داشت و از او راضی بود، و منشأ این امر سماحت نفس و سعه صدر و حسن اخلاق و لطافت طبع شیخ بود. شیخ عبدالله شخصی بسیار کریم و بزرگووار بود که دستانش برای خیر و خیرات هیچگاه بسته نمی شد. با مردم انس می گرفت و مردم نیز با وی مأنوس بودند. مردم را دوست می داشت و مردم هم او را دوست می داشتند، زیرا او دست نوازش خود را بر سر کودکان می افکند و احترام بزرگان را بجای می آورد. شیخ انسانی بسیار میهمان نواز بود و به نیازمندان کمک می کرد و مردم را در برطرف کردن نیازهای زندگیشان یاری می داد. و زندگی اش را بر آسانگیری بنا نهاده بود نه بر سختگیری که این مسئله در علم و فقه و تعامل و اخلاق و برخوردهای ایشان نمایان بود که این اخلاق را از منهج نبوی الهام گرفته بود که: «یسروا و لا تعسروا و بشرُوا و لا تفروا»؛ آسان بگیرید و سخت نگیرید و بشارت دهید و مردم را متنفر نکنید. و از اخلاق نیک منشانه شیخ این بود که به کسانی که همراه وی کار می کردند بسیار نزدیک بود تا جایی که آنها احساس نمی کردند پدیری بزرگووار و دلسوز می کند بلکه گمان می کردند پدیری بزرگووار و دلسوز همراه آنهاست. شیخ عبدالله انصاری شافعی مذهب بود اما بر مذهب خود تعصب نداشت بلکه همه ائمه را دوست می داشت و از آنها به نیکی یاد می کرد و به همه مذاهب احترام می گذاشت و دلیل راجح را از

هر مذهبی که بود می پذیرفت و مردم را از تقلید مذهب دلخواهشان منع نمی کرد. در مورد هیچکدام از ائمه گذشته بد زبانی نمی کرد بلکه عفت لسان داشت و دوست نداشت انسانی، انسان دیگر را به بدی یاد کند. روش شیخ این بود که شمع ها را روشن نماید، نه اینکه تاریکی را لعنت کند. شیخ عبدالله انصاری را اینگونه شناختم، انسانی دارای وجدان و روحی عمیق و حس ایمانی دقیق که به هنگام پند دادن دیگران و یا پند شنیدن از کسی سیلان اشک از چشمانش جاری می شد و به خود می لرزید و حالت وجد به وی دست می داد. شیخ از نظر جسمی قوی و تنومند بود و در شنا کردن و غواصی بسیار مهارت داشت. به یاد دارم که در شب عید قربان در ایام حج همراه با شیخ نماز مغرب و عشاء را در مزدلفه خواندیم و نیمه شب را در آن مکان گذرانیدیم سپس به منی رفیقیم و پس از سنگ زدن به جمره عقبه و طواف افاضه به هنگام سعی بین صفاء و مروه شیخ عبدالله پیشاپیش همه ما راه می رفت و از همه ما جلوتر بود در حالی که من از لحاظ سن از او کوچکتر بودم و حتی بسیاری از جوانانی که همراه ما بودند توانایی، سرحالی و شادابی شیخ را نداشتند.»

از خصوصیات دیگر شیخ عبدالله انصاری می توان به صراحت لهجه وی در دفاع از اسلام و مسلمین اشاره کرد که همین امر سبب شد در آخر حیات مبارکشان اختلافات شدیدی بین او و حکومت قطر به وجود بیاید تا جایی که دولت وی را از تمامی مناصب دولتی عزل نمود. اما شیخ به منصب نمی اندیشید زیرا هدف وی خدمت در راه خدا بود لاغیر. و بسان سیف الله خالد بن ولید رض الله عنه برایش تفاوت چندانی نمی کرد که در لباس فرماندهی بجنگد یا در لباس سرباز عادی. چه در منصب مدیر امور دینی وزارت آموزش و پرورش قطر خدمت کند یا واعظی که در گوشه ای از مسجد حلقه درسی را تشکیل داده و مسائل دینی را به مردم می آموزد. پس از به وجود آمدن درگیریهای بین شیخ و حکومت و عزل وی از تمامی مناصب دولتی شیخ گوشه ای از مسجد را برای رساندن رسالتش انتخاب کرد. قبل از نماز ظهر مسجد کنار منزل شیخ مملو از جمعیتی بود که از محله های دور و نزدیک دو حه برای استماع سخنان شیخی وارسته و استادی فرزانه و مجاهدی نستوه جمع می شدند.

شیخ عبدالله انصاری تا آخر عمر مبارکش در

مسجد کنار منزلش در شهر دوحه پایتخت کشور قطر حلقه‌های درس برای مردم داشت.

وی در آخر عمرش بیمار شد و برای معالجه او را به انگلستان بردند. در روز ۱۶ ربیع الأول سال ۱۴۱۰ هـ ق زمانی که شیخ در بیمارستانی در لندن بستری بود و احساس می‌کرد آخرین روزهای زندگی را سپری می‌کند فرزندش را به حضور طلبید و وصایای بسیاری به وی نمود که از آنها می‌توان به این جملات اشاره کرد: «ای فرزندم اکنون زمان آن فرا رسیده است که پدرت به ملاقات پروردگارش بشتابد، آنگونه زندگی کنی که پدرتان شما را بر تقوی و صلاح تربیت نموده است و بر فرایض مواظبت کنی تا اینکه در پناه خداوند باشید.» و پس از اتمام سخن با فرزندش به ذکر و یاد خداوند مشغول شد تا اینکه دارفانی را وداع گفت. وفات شیخ عبدالله انصاری همانگونه که دکتر یوسف قرضاوی می‌فرمود ضایعه‌ای بسیار بزرگ بر جهان اسلام بود.

پیکر مطهر شیخ را به دوحه انتقال دادند، آنروز حکومت قطر که سعی در منزوی کردن شیخ داشت با چشمان خود دید که وفات این رادمرد تاریخ چه تأثیری در جهان اسلام دارد. آنروز شهر دوحه شاهد یک روز استثنایی و بی‌نظیر در طول تاریخ خود بود و مردم از سراسر قطر و نه تنها قطر بلکه از جای جای نقاط جهان و بسیاری از شخصیت‌های مهم جهان اسلام برای تشییع پیکر وی روانه این شهر شدند و دوست و رفیق و همسنگرش دکتر یوسف قرضاوی بر وی نماز میت گذارد و به هنگام تشییع پیکر وی خیابانهای اصلی شهر تعطیل شد و ازدحام به اندازه‌ای بود که همه سعی و تلاش می‌کردند خود را به جنازه شیخ نزدیک کنند اما قادر به این کار نبودند. در بسیاری از نقاط جهان بر وی نماز میت غایبانه خوانده شد. در حرمین شریفین قلوب مردم آکنده از اندوه گردید آنگاه که منادیان ندا زدند که ای مسلمین بشتابید برای خواندن نماز میت غائب بر مجاهد بزرگ تاریخ اسلام شیخ عبدالله انصاری و در مسجد الحرام و مسجد النبی میلیونها مسلمان با چشمانی پر از اشک و با قلبهایی محزون و آکنده از اندوه بر وی نماز غائب خوانند و بر روحش دعای رحمت و مغفرت نمودند.

آثار شیخ عبدالله انصاری

شیخ عبدالله انصاری آثار متعددی در بخش

تألیف و تحقیق از خود به جای گذاشت که می‌توان از آثار وی در بخش تألیف به شرح زیر نام برد:

۱- صفة التحية في الاسلام، ۲- خمرة الخبائث، ۳- مجموعة المتون الفقهية، ۴- رسالة الاعلام في بلاد الاسلام وعلاقتها بالدعوة الاسلامية، ۵- عتاب من الكبد (تألیف همراه با دکتر مصطفی زهرة)، ۶- معرفة الصواب في موافقة الحساب، ۷- ردود على باطل و رسائل شيخ محمد، ۸- ادعية و اذکار نبوية، ۹- مواقيت الصلاة حسب توقيت لندن (تحقیق و تألیف)، ۱۰- تقويم القطري بالتوقيت الغروبي والزوالی (تحقیق و تألیف).

در بخش تحقیق نیز از انجام تحقیق بر روی کتابهای زیر می‌توان نام برد:

۱- ارشاد الحیران في معرفة آی القرآن (تألیف پدر بزرگوارش شیخ ابراهیم انصاری)،
۲- التقاط الدرر و اقطاف الثمر من كتب أهل العلم و الاثر (تألیف شیخ حسن قنوجی)،
۳- تفسیر ابن عطية.

۴- الروضة الندية (تألیف شیخ حسن قنوجی)،
۵- مفید العلوم و مفید العلوم (تألیف جمال الدین ابوبکر خوارزمی)،

۶- صحیحة الحق (تألیف شیخ محمد درویش)،
۷- من خلق القرآن (تألیف محمد عبدالله دراز)،
۸- مصرع الشرك و الخرافة (تألیف خالد محمد علی الحاج)،
۹- التحقیق الباهر فی معنی الايمان باليوم الآخر (تألیف ابی الفضل بن عبدالله)،

۱۰- زادالمحتاج بشرح منهاج (تألیف شیخ حسن کوهجی).
گرچه شیخ عبدالله انصاری از میان ما رفت اما آثار گرانبهایی از خود به جای گذاشت و تا مسلمانی بر روی این کره خاکی زندگی می‌کند نام وی همواره در آسمان علم و دانش و تاریخ اسلام می‌درخشد. خداوند شیخ عبدالله انصاری را جزای خیر دهد و او را در کنار انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین محشور نماید.

«ربنا اغفر لنا و لاخواننا اللذین سبقونا بالايمان و لا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤف رحیم».

دکتر یوسف قرضاوی در کتاب «فی وداع الأعلام» در مورد خصوصیات شیخ می‌گوید: شیخ عبدالله انصاری مشعل فروزانی از دعوت و حرکت و غیرت دینی بود که هر کس او را می‌شناخت به وی دل می‌بست و او را دوست می‌داشت.

